

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای چهل و دوم (ختم قرآن)

جلسه ۱۱

۱۳۹۶/۰۲/۰۴

■ شب و روزی استثنایی

■ تفاوت زمان‌ها و مکان‌ها

■ عطش پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای هدایت امت

■ شش ضلع مبعث

۱. خداوند متعال

۲. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

۳. قرآن کریم

۴. پیام

۵. مخاطب

۶. محیط

■ آیه‌ای که در شب مبعث باید خواند

تفاوت زمان ها و مکان ها

زمان، مانند مکان و هر چیز دیگری در این عالم، ظاهر و باطن و ملک و ملکوت و شهادت و غیب دارد. ارزش و شرف زمان به ملکوت، باطن و غیب آن است. یعنی جنبه‌ی باطنی، ملکوتی و وجه الربی زمان است که به زمان شرافت می‌دهد. زمان هم مانند هر چیز دیگر یک وجه الربی و یک وجه الخلقی دارد؛ یعنی یک سوی آن به سوی خلق و سوی دیگر آن به سوی رب است که همان جنبه‌ی ملکوتی و غیبی زمان محسوب می‌شود. ارزش هر چیزی به جنبه‌ی باطنی است که جنبه‌ی رازآلودی است. در مکان و اشیا و زمان همین‌طور است. قرآن کریم به طور صریح از این مسئله رونمایی کرده است. تعبیر «ملکوت السموات و الارض» و غیب آسمان‌ها و زمین در بسیاری از آیات کریمه‌ی قرآنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

شب و روزی استثنایی

در جهان آفرینش، نه هیچ شبی به عظمت شب مبعث آفریده شد و نه هیچ روزی به عظمت و شکوه روز مبعث. نه آسمان در شبی دلرباتر و شیرین‌تر و نورانی‌تر از شب مبعث سایه انداخت و نه خورشید بر روزی نورانی‌تر، روشن‌تر و پربرکت‌تر از روز مبعث تابد.

شب و صبحی که از پس این شب خواهد بود، بر همه‌ی عزیزان مبارک باشد. امیدواریم خدای تبارک و تعالی همه‌ی ما را از برکات معنوی و باطنی و ظرفیت‌های آسمانی و ملکوتی این شب و روز بزرگ بهره‌مند سازد.

آمده است. در سوره‌ی مبارکه‌ی حجر هم تصریح شد که هر چیزی نزد شما است، یک خزینه و منبع و ذخیره دارد که پیش خدا است: «وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» [۱] و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ما است و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم». بخشی که در اختیار شما است، اندازه و قدر مشخص شده و محدودی است که در ظرفیت این عالم تعریف می‌شود؛ اما یک پشتوانه و عقبه دارد و به تعبیر قرآن کریم، یک خزانه و منبع پشتیبان دارد که «عندنا» است. اگر شما بپرسید فرق مسجد و غیر مسجد چیست؟! فرق اینجا با سایر مکان‌ها چیست؟! به حسب ظاهر هیچ تفاوتی ندارد و مکان، مکان است دیگر و نمی‌شود بر اساس ظاهر،

ارزش‌های خاصی برای یک مکان تعریف کرد. اما بین این دو مکان - مسجد و غیرمسجد - تفاوت غیر قابل تصویری وجود دارد که مربوط به ظاهر نیست؛ بلکه مربوط به باطن مکان است. آنجایی که مسجد است، باطنش با بیت المعمور و آسمان چهارم نسبت پیدا می‌کند و از آنجا پشتیبانی می‌شود و ذخایری در سماء رحمت و لطف خدای متعال دارد. آن وقت است که یک لحظه بودن شما در مسجد با ساعت‌ها بودن در غیر مسجد قابل مقایسه نیست. زمان هم همین‌طور است. به شما می‌گویند: الان چه ساعتی است؟! شما می‌گویید: فلان ساعت از روز دوشنبه است. این ظاهر زمان است و ساعت‌ها و روزها و شب‌ها، روزها و شب‌های معمولی هستند. زمستان و بهار و تابستان دارد. بیشتر ارزیابی ما

اساس آن اتفاق تأمین شده که یک اتفاق و تجلی الهی است یا اینکه این شب ۲۷ ظرفیت خاصی داشته و در ازل الازال و ملکوت، ظرفیت خاصی داشته تا آن اتفاق در آن قرار گیرد؟ این مسائل را خیلی متوجه نمی‌شویم.

عرض ما این است که منافاتی ندارد و می‌تواند هر دو باشد و آن اتفاق نظیر بعثت یا ولادت پیامبر عظیم‌الشأن، آن ظرفیت را به‌صورت تصاعدی گسترش داده است.

سلوک اهل الله مبتنی بر مراقبت از ملکوت زمان است و این خودش یک روش و مبنا است. خدا مرحوم آیت‌الحق حضرت آیت‌الله ملک‌تبریزی را رحمت کند که بر اساس همین قاعده، المراقبات را نوشتند. المراقبات متکی به ملکوت زمان نوشته

این‌گونه است و به تفاوت‌های ظاهری توجه می‌کنیم. در این تفاوت‌های ظاهری، ارزش‌گذاری خاصی نمی‌شود، اما وقتی از جنبه‌ی باطنی قضیه به آن می‌نگرید و به وجه‌الرب نگاه می‌کنید، شب ۲۷ ماه رجب، اصلاً با شب‌های قبل و بعد خود، و روز ۲۷ ماه رجب نیز با روزهای قبل و بعد از جهت روح، معنا، ظرفیت، شکوه و ذخایر قابل مقایسه نیست.

تحلیل جداگانه‌ای وجود دارد که ملکوت زمان و ذخایر و خزائن چگونه ساخته و پر می‌شود که بحث جدایی است و من نمی‌خواهم الان به آنها پردازم. آیا اتفاقی که رخ داده، به دلیل ظرفیت آن زمان رخ داده است یا نه؟! مثلاً بعثت در سحر ۲۷ ماه رجب و ۱۳ سال قبل از هجرت رخ داده است. آیا این ذخیره بر

شده است. نشانه‌هایی از این روش را در سایر اهل الله هم می‌بینیم و در کتاب‌های کهن ما هم وجود دارد. بسیاری از کتاب‌های سلوکی، متکی به ملکوت زمان نوشته شده است که من الان در مقام تشریح آن نیستم. برخی کتاب‌های سید طائفه، سید ابن طاووس، متکی به ملکوت زمان است. در زمان معاصر ما، اثر جناب ملکی تبریزی، اثری فاخر است و برخی از بزرگان زمان ما از جهت سلوکی شاگرد ایشان بوده‌اند. امام هم خیلی می‌پسندند و توصیه می‌کردند. حضرت آقا (حفظه الله) به المراقبات عنایت خاصی دارند و توصیه می‌کنند و گاهی هم به این کتاب استناد می‌دهند، در حالی که می‌توانند به برخی منابع دیگر استناد دهند، اما می‌خواهند جامعه‌ی جوان ما با این منبع سلوکی انس بگیرند.

المراقبات متکی به زمان است و برای ماه‌ها و روزها تذکراتی می‌دهد. خدا آقای ملکی تبریزی را از این جلسه‌ی نورانی خیر بدهد. این نوع سلوک، خیلی پیش‌برنده است. یادتان باشد که زمان را دریابید. اگر فهمیدید که این زمان با زمان‌های دیگر فرق می‌کند، آن وقت می‌توانید از بهره‌های خاص آن زمان استفاده کنید. این‌گونه می‌توانید کار دو سال را در یک شب یا یک روز از نظر صعود معنوی و پروازهای عرفانی و بهجت معنوی انجام دهید و این جای تعجب ندارد. قرآن کریم خیلی صریح و بدون مجامله به من و شما می‌گوید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ: [۲]» ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم». نگفته است مثل هزار ماه است؛ بلکه فرموده از هزار ماه بهتر است. در یک شب

و استضاءه بیشتر می‌شود.

عش پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای هدایت امت

محور در شکوه و عظمت شب و روز ۲۷ ماه رجب، چند چیز است که از هر سمت که می‌روید، به شخصیت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می‌رسید. در جریان بعثت، قرآن کریم نقشه‌ای شش‌ضلعی به ما می‌دهد.

امشب، شب تولد قرآن کریم است و «إِقْرَأْ» امشب گفته شده است. پیامبر وقتی پیام «إِقْرَأْ» را گرفت، همان چیزی را که از قبل گرفته بود، می‌خواند و می‌رفت که بیان شد عجله نکن: «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» [۳] زبانت را به خاطر عجله برای خواندن آن [قرآن] حرکت مده». پیامبر رحمه للعالمین

می‌توانید به اندازه‌ی چندین سال در مسیر تقرب الی الله و خرق حجاب‌ها و رفع موانع و سرعت گرفتن و سبقت گرفتن جلو بروید و این اصلاً جای تعجب ندارد.

امشب و فردا برنامه‌های خاصی از غسل و نماز و روزه و دعا و اذکار و... دارد. آنچه در کتاب‌های شریفی نظیر مفاتیح گفته‌اند، همه‌ی آن چیزی که باید بگویند نیست؛ چراکه از نگاه شخصیتی نظیر محدث قمی، اینها برای عموم نوشته شده است. با این حال از کنار همین گزیده و گلچین نباید رد شویم و من همیشه به خودم و دوستان یادآوری می‌کنم که به خودتان بگویید ۲۷ ماه رجب ۱۴۲۸، در تقدیر من نوشته شده که آخرین ۲۷ رجب من در این عالم است. آن کتاب را برای ما باز نکرده‌اند. وقتی این‌طور نگاه کنیم، عطشمان برای بهره‌برداری

است و می‌خواهد همه‌ی این سفره را خیلی سریع پهن کند. او نسبت به مؤمنان رؤوف و رحیم است و می‌خواهد همه را سر سفره بیاورد و هر آنچه را هست، به میدان بیاورد. من و شما نمی‌فهمیم از نظر حسرت، بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چه گذشته است. همین قدر بدانید که بارها پیامبر عزیز ما در حالت جان‌کندن قرار گرفت و اگر نهیب الهی نبود، جان شریف او از دست می‌رفت. نص این موضوع هم در قرآن بیان شده است: «فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ؛ [۴] پس مبادا به سبب حسرت‌ها [ی‌گوناگون] بر آنان جانت [از کف] برود». چرا داری خودت را می‌کشی؟! تو داری از سر تأسف جان می‌دهی! این حال پیامبر را کسی درک نمی‌کند. وقتی یک نفر هدایت نمی‌شود، ما از حسرت‌های

پیامبر و آنچه بر او می‌گذرد، هیچ چیزی نمی‌فهمیم. خداوند متعال می‌گوید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ؛ [۵] در حقیقت تو هر که را دوست داری، نمی‌توانی راهنمایی کنی». این‌طور نیست که هر کس را بخواهی، بتوانی هدایت کنی؛ بلکه مسائل و جوانبی دارد. از این لحظه که مأموریت داده شد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شروع به تلاوت و تبیین کردند: «لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛ [۶] تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی».

شش ضلع مبعث

این قرآن کریم که از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قرائت و به دست امیرالمؤمنین (علیه السلام) کتابت شد و الان در دست ما است، برای مبعث که اول و آخر و وسط

بعضی از این نام‌ها صریح و بعضی‌ها استنباطی است.

۲. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

ضلع دوم، به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برمی‌گردد. در این برانگیختن، خدای متعال چه کسی را برگزیده، برانگیخته و ارسال کرده است؟! یک مقام اصطفاء و یک مقام اجتناء و یک مقام ارسال دارد. ارسال همان مقام فرستادن به سوی خلق است. فصل دوم در جریان بعثت، شخصیت پیامبر عظیم‌الشان (صلی الله علیه و آله) است.

قرآن کریم در مورد ایشان، شرح فضائل، مقامات، زیبایی‌ها و عظمت‌ها را انجام می‌دهد. برخی از اینها صریح و برخی در پرده است. یک جا به جان پیامبر قسم می‌خورد و یک جا به شهری که در آن است. هفتاد جا در قرآن کریم،

همه‌ی خیرات عالم است، شش ضلع را تصویر کرده که سه مورد اصلی و سه مورد فرعی هستند.

۱. خداوند متعال

اول، بحث مبعوث منه است که بیان می‌دارد سرچشمه‌ی این فیض عظیم کجا است. قرآن کریم از این مسئله پرده‌برداری کرد و فرمود بعثت به مقام ذات حضرت احدیت برمی‌گردد. به همین جهت بیان می‌کند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ؛ [۷] او است آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای برانگیخت» یا «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى؛ [۸] او است کسی که فرستاده خود را با هدایت روانه کرد». این ذات در آینه‌ی مبعثت، جلوه و با نام‌هایی طلوع می‌کند؛ از جمله نام‌های مقدس و مبارک باعثت، هادی، عزیز، حکیم، علیم، رحمن و رؤوف.

غار، مسجد الحرام به خوبی دیده می‌شود. خدای متعال در مورد این بنده‌ی برگزیده‌اش و صحنه‌ی آمدنش از غار حرا چه می‌گوید و چه ویژگی‌هایی را برجسته‌سازی می‌کند؟! توجه به این خیلی مهم است. در آخر سوره‌ی مبارکه‌ی توبه فرمود: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» [۱۰] قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است». رسولی که از خودِ خودِ خودِ شما است و با روح و دل و فطرت شما آشنا است. مگر تو با خودت بیگانه باشی که او را شناسی. چنانچه خودت را شناخته باشی، او را می‌شناسی.

وجود مقدس او را با وصف رسول معرفی می‌کند که این، نسبت و اتصال را می‌رساند. در جایی وجود مقدس آن حضرت را با دانش‌های ویژه و فضل‌هایش معرفی می‌کند: «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» [۹] و کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی، به تو آموخت و تفضل خدا بر تو همواره بزرگ بود» و در جای دیگر، پیامبر را به عنوان شاهد و گواه انبیا معرفی می‌کند.

اگر شما به این شخصیت بزرگ نگاه کنید، او را سر تا پا مهربانی می‌بینید و می‌توانید او را با نام مقدس رحیم و رؤوف بشناسید. خدا دو بار نصیب من کرده است که به غار حرا بروم. یک بار سحر آنجا بودم و از داخل

بیاورند چه؟! خدا می‌فرماید نمی‌توانی باور کنی پیامبر در مورد آنان چه می‌کند: «بِالْمُؤْمِنِينَ رِءُوفٌ رَحِيمٌ». فرق رءوف و رحیم، تفاوت مهربانی پدر و مادر است که در وجود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جمع شده است.

خدای متعال اینجا که پیامبر دارد به سمت خلق می‌آید، او را با چه ویژگی‌هایی معرفی می‌کند؟! اول بیان می‌دارد که او از خودتان است. خدای تعالی سیمای دل‌آرا و طلعت ناز او را در فطرت همه‌ی انسان‌ها تصویرگری کرده است. در فطرت من و شما سیمای او تصویرگری شده، اما مشکل من و شما این است که خودمان را نشناخته‌ایم و با خودمان بیگانه هستیم.

اگر به شهر خودت رفتی و به وجود خودت برگشتی

اگر می‌خواهید او را بشناسید، بدانید که مشکلات و رنج‌ها و گرفتاری‌های شما برای او بار گران و غیر قابل تحمل است. خداوند در حال معرفی کسی است که پیام را گرفته و از این کوه به سمت بشریت حرکت کرده است. به او شرح صدر داده و وجود مقدس او را توسعه داده است: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ؟» [۱۱] آیا برای تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم». کسی که به سوی شما می‌آید که از خود شما برای شما مهربان‌تر است: «حَرِيصٌ عَلَيْنَا»؛ یعنی عاشقانه برای هدایت شما می‌آید و برای سعادت شما خودش را می‌کشد و تزکیه و تعلیم و رشد شما هدف او است. آنجا که پیامبر دارد خودش را می‌کشد، در مورد کسانی است که ایمان نیاورده‌اند.

اما نسبت به کسانی که ایمان

و با خودت آشتی کردی، آن وقت می‌توانی پیامبر را بشناسی و با او آشنا شوی. در این میانه برای من خیلی جالب است که خدای تبارک و تعالی روی چند چیز تأکید دارد: یکی روی مقام بندگی و عبودیت، دیگری روی علم بی‌پایان آن حضرت، سوم روی مهربانی فوق‌العاده‌ی آن حضرت و چهارم روی اخلاق آن حضرت که خدا آن را به رخ می‌کشد. پنجمین ویژگی که خدا بر آن تأکید می‌کند، رسالت‌مداری و پیام‌داری او است.

خدای متعال روی این چند نکته خیلی اصرار دارد. برای تکمیل این ویژگی‌ها، ملاحظه می‌کنید آنجا که پای حکم و فرمان و حدود الهی است، کسی که بر قله‌ی مهربانی است، بر قله‌ی نامهربانی و سختگیری قرار می‌گیرد و

نمی‌توانید از او سخت‌تر پیدا کنید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) غیرت الله تبارک و تعالی است؛ لذا آنجا که حجت تمام می‌شود و عده‌ای بر کفر اصرار می‌کنند، طوفان به پا می‌کند و مظهر خشم خداوند می‌شود.

۳. قرآن کریم

بنا به تعبیری که ما ایجاد کردیم، ضلع سوم در مورد مبعوث به است. مبعوث به، قرآن کریم است و حضرت رسول، قرآن کریم را آورده است. شما هر جا سخن از قرآن گفتی، سخن از نوری گفته‌ای که با آن نازل شد. خدای متعال می‌گوید که به قرآن و نوری که با آن نازل شد، ایمان بیاورید. [۱۲] قبلاً در جلسات صحیفه در مورد این نور و حقیقت آن با شما صحبت کردیم. اگر در مورد قرآن صامت، صحبت شده، در مورد

شخصی که این دریافت‌ها را از این ذات مقدس و حقیقت برگزیده که مصطفی و مجتبی است، دریافت می‌کند، به روشن بینی، فهم برتر و افق بالایی از فهم و علم دست می‌یابد. البته نمی‌دانم چرا بخش انذار تأکید و بیان شده است: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ» [۱۴] تو فقط بیم‌دهنده‌ای». گویا خوف مقداری تغلیظ شده است. تزکیه‌ای که حاصل تلاوت است، به معنای پیرایش و پرورش است. پیرایش توسط آیات منذرات و پرورش توسط آیات مبشرات انجام می‌شود. بعد از تزکیه، عقل و دل شما آماده است و استعداد شما برانگیخته شده تا علم را دریافت کنی. این علم از قبیل آنچه در مدرسه گفته می‌شود، نیست؛ بلکه «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ» [۱۵] علم نوری است که خداوند در قلب هر کس بخواهد

قرآن ناطق هم صحبت شده است. هدایت، یک وجه صامت دارد که کتابی نگاشته شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وقتی به سمت خلق می‌آید، قرآن و علی را برای بشریت آورده است. شب مبعث، شب آشتی و بهسازی ارتباط با قرآن کریم و قدرشناسی از آن است.

۴. پیام

در آیات مربوط به بعثت آمده است: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ» [۱۳] آیات او را بر آنان بخواند». رسول آمده است تا برای شما تلاوت کند و از رهگذر این تلاوت، پیامبر برای شما مبشر و منذر شود. آیات بهشت، آیات مبشرات و آیات جهنم، آیات منذرات است و همگی جدی هستند. حاصل این بشارت و انذار تزکیه است. اگر این تزکیه اتفاق بیفتد،

هدایت کند، قرار می‌دهد». آن چیزی را که نمی‌توانستند در مدرسه و آزمایشگاه به آن دست یابند، به تو داده شد و از طریق تو در دسترس بشریت قرار دادیم. علم و حکمت میهمان دل و قلب مزکی است. باید دل و قلب آماده شود تا این علم نزول اجلال کند. این علم بدون تزکیه نمی‌آید و اگر هم بیاید، می‌رود و متمکن و مستقر نمی‌شود.

ببرد. استقرار ولایت الهی و نظام حکمت‌محور، عدالت‌محور و اخلاق‌مدار، فلسفه‌ی بعثت است و جهانی شدن آن، فلسفه‌ی بعثت خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله)؛ همان‌طور که فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» [۱۶] تا آن را بر همه‌ی ادیان چیره گرداند».

۵. مخاطب

فصل پنجم، مخاطبان این فرستاده یا همان مبعوث الیه است. جالب است که قرآن کریم این بخش را باز کرده و فرموده است: «أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» [۱۷]

این بحث مبعوث له یا همان هدف بعثت بود. آنچه بیان شد، هم جلوه‌ی شخصی دارد و هم جلوه‌ی اجتماعی. از جمله جلوه‌های اجتماعی‌اش، عدالت و قسط است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده تا مزه‌ی عدالت را به بشریت بچشانند؛ متها می‌خواهد خود آنان را به میدان عدل و قسط

ام القری [مکه] و کسانی که پیرامون آنند». منطقه‌ی پیرامونی به اعتبار اینکه مکه و بکه و مسجدالحرام و کعبه‌ی معظمه، نقطه‌ی ثقل و قلب کره‌ی زمین باشد، کل کره‌ی خاکی خواهد بود. توضیح این بیان در آیه دیگر آمده است: «إِلَى النَّاسِ

آله) وارد شد، بر چه جامعه‌ای وارد شد و از کجا شروع کرد و حلقه‌ی مخاطبان حضرت چه کسانی بودند؟! آن تاریک‌خانه‌ی جاهلیت اولی چگونه بود؟! پیامبر از زیر صفر شروع کرد، اما بسیار سریع عمل کرد و در طول ۲۳ سال، چه کرد! سیزده سال در مکه و ده سال در مدینه بود و دستاوردهای بزرگی داشته است. یک علی برای تمام بشریت من الاولین الی الآخرین کفایت می‌کند. رسول الله فرمود: «أَنَا أَدِيبُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ أَدِيبِي؛ [۱۹] من دست‌پرورده‌ی خدا هستم و علی دست‌پرورده‌ی من است». جرج جورداق و دیگری و دیگری و دیگری را ببینید که چگونه علی را شناخته‌اند؟! سلمان و ابوذر و مقداد هم از دستاوردهای همین دوران بوده‌اند. شبیه‌ترین شخص در این عالم به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، حضرت زهرا (علیها السلام)

جَمِيعاً و باز واضح‌تر بیان کرده که «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ [۱۸] رحمتی برای جهانیان»؛ یعنی این سفره جهانی است و به یک محله یا منطقه یا قاره‌ی خاص تعلق ندارد. آیا زمان دارد؟! خیر؛ تا روز قیامت نوبت محمد است. این امتداد را شما می‌توانید از آیه‌ی «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» نیز به دست آورید.

جنابعالی که الان پس از چند قرن اینجا نشسته‌اید و همه‌ی کسانی که تا روز قیامت خواهند آمد نیز مستقیماً و بدون واسطه، مخاطب بعثت هستند.

۶. محیط

اما فصل یا ضلع ششم، محیط بعثت است که قرآن به آن نیز نیم‌نگاهی داشته است. آن روز که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و

انقلاب اسلامی، بعثت مجدد محسوب می‌شود و ذیل همان بعثت عظیم تعریف می‌شود. اگر بخواهیم قدر این نهضت بزرگ را بدانیم، باید تاریخ ستم‌شاهی را بخوانیم و بدانیم که نهضت از کجا شروع شده است.

آیه‌ای که در شب مبعث باید خواند

آیه‌ی آخر سوره‌ی فتح، پایان‌بخش جلسه‌ی ما است: «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ اَشَدُّ اَعْلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ محمد، پیامبر خدا است و کسانی که با اویند، بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند». این آیه را دستور کار تأملات امشب خود بگذارید؛ چراکه آیه‌ی خیلی خاصی است. کلمه‌ی «معه» بزرگ‌ترین بشارتی است که می‌تواند در

بود و امام فرمودند: اگر زهرا مرد بود، پیامبر بود. زهرا (سلام الله علیها)، گوهر فرد متفرد است. هر کدام از این شخصیت‌ها، تمام بشریت را کفایت می‌کنند. پیامبر در چه جامعه‌ای شروع کرد؟! این جامعه‌ی وحشی در مدتی کوتاه، نظام‌دار و قانون‌دار شد و بعد از زمان کوتاهی، رم و ایران را به میدان درخشش خود آورد. اگر درست پیش می‌رفت و با غدیر امتداد می‌یافت، بشر چه بهشتی را تجربه می‌کرد! کتاب جهان در عصر بعثت، در مورد همین ضلع ششم است و اوضاع زمان بعثت را برایتان بیان می‌کند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه اصرار دارد که در مورد زمان بعثت مطالعه کنیم و نگذاریم فراموش شود.

منابع و مأخذ

- عالم به انسان داده شود. خدای متعال بابی را باز کرده که هر انسان می‌تواند با داشتن دو شاخصه‌ی اصلی، یعنی «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، همراه پیامبر باشد. «تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا؛ أَنَانِ رَا دَر رَكُوعٍ وَ سَجُودٍ مِی‌بِیْنِی». این افراد را در حال رکوع و سجده می‌بینی، دنبال کسب رضای الهی هستند و در سیمای آنان نشانه‌ی بندگی دیده می‌شود. سیمای مؤمن، اخلاق و رفتار و گفتار و معاشرت او است و نشان بندگی و سجده در زندگی او دیده می‌شود.
- ان‌شاءالله که خدای تبارک و تعالی همه‌ی ما را جزء همراهان پیامبر قرار دهد. به نظر من این بزرگ‌ترین دعا در شب مبعث است.
۱. [۱]. حجر: ۲۱.
۲. [۲]. قدر: ۱.
۳. [۳]. قیامت: ۱۶.
۴. [۴]. فاطر: ۸.
۵. [۵]. قصص: ۵۶.
۶. [۶]. نحل: ۴۴.
۷. [۷]. جمعه: ۲.
۸. [۸]. صف: ۹.
۹. [۹]. نساء: ۱۱۳.
۱۰. [۱۰]. توبه: ۱۲۸.
۱۱. [۱۱]. شرح: ۱.
۱۲. [۱۲]. تغابن: ۸.
۱۳. [۱۳]. جمعه: ۲.
۱۴. [۱۴]. رعد: ۷.



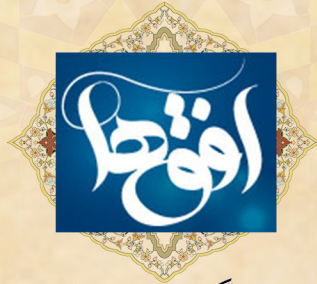
[۱۵]. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار،
ج ۱، ص ۲۲۴.

[۱۶]. صف: ۹.

[۱۷]. انعام: ۹۲.

[۱۸]. انبیاء: ۱۰۷.

[۱۹]. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار،
ج ۱۶، ص ۲۳۱.



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر